

آینه

جمهوری اسلامی

ملاحظات ی پیرامون آتش بس سراسری سوریه

● برقراری آتش‌بس در تمامی سرزمین سوریه در برخورد اول پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای در بحران سوریه تلقی می‌شود لکن با بررسی مسائل مرتبط به نظر می‌رسد که ممکن است این پدیده به تعبیری، آرامش قبل از توفان باشد. توافقات منجر به این آتش‌بس، محصول رایزنی‌های ترکیه و روسیه است که با هماهنگی سوریه و ایران رسمیت یافت ولی با توجه به اهداف توسعه‌طلبانه ترکیه در سوریه و عراق و حضور تجاوزکارانه ارتش ترکیه در هر دو کشور، ابهاماتی در مورد سوءاستفاده احتمالی آنکارا از این وضعیت جدید وجود دارد. مشکل بزرگ در این مقوله، تغییر ظاهری سیاست رسمی ترکیه در قبال بحران سوریه و مشخصا بازی مستمر ترکیه با تروریست‌ها است که پیش‌بینی اطمینان‌بخش رفتار نهایی ترکیه را غیرممکن می‌سازد. ترکیه بیش از پنج‌سال و تا امروزه نقش «جستیک تروریست‌ها» را ایفا کرده و موضوع قاچاق نفت و اسلحه در پیشانی سیاست‌های آنکارا می‌درخشد. اکنون اردوغان در یک چرخش سیاسی مدعی توافق با پوتین است که فرصت‌های طلایی برای ادامه حضور نظامی و نقش آفرینی ترکیه در سوریه را پدید می‌آورد. علاوه‌براین، تغییر نسام، تغییر چهره و جابه‌جایی تروریست‌ها معضل بزرگ‌تری است که در طول ماه‌های اخیر هم دقیقاً مشکل‌ساز بود.

ایران

الزامات خطیب نماز جمعه

● **حجت‌الاسلام حسین انصاری‌راد:** باید توجه داشت نمازجمعه جای انتشار مطالب مجرمانه نیست. اگر خطیبی در مجلس شورای اسلامی طرح شده است و قرار بوده مجرمانه بماند، باید در همان جا بماند. نمازجمعه باید جایی برای طرح دیدگاه کلی مجلس شورای اسلامی و حرف عموم ملت باشد، نه بازگویی سخن نماینده‌ای که به خاطر سلیقه استبداد خاص خود، خطیبی را از موضع سیاسی از شخصی نقل کرده است. حتی اگر خطیب جمعه به یک جریان سیاسی خاص گرایش داشته باشد، باید در نظر داشته باشد که جایگاه خطیب جمعه متعلق به جریان و دیدگاه خاصی نیست. نمازجمعه به همه آحاد جامعه تعلق دارد، ازاین‌رو باید نکاتی در آن مطرح شود که با مزاج همه مردم سازگار باشد. تا می‌ادا شائبه گرایش جناحی خطیب جمعه را ایجاد کند. باید توجه داشت همه احزاب و جریان‌های سیاسی در نمازجمعه شرکت می‌کنند و نباید سخنی گفته شود که به نفع یا ضرر جریانی باشد که در نمازجمعه حضور دارند.

اعتقاد

ایرباس و بوبینک نامهربانی کنند غرامت می گیریم

● **عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی:** شما تصور کنید که بیش از ۴۱ سال است که با بوبینک قرارداد همکاری نداشتیم. همین وضعیت را با ایرباس داشتیم. البته با ایرباس قرارداد کوچکی بعد از انقلاب منعقد شده بود. حال وقتی بعد از ۴۱ سال با بوبینک وارد مذاکره می‌شدیم باید رفتار حرفه‌ای از خود نشان می‌دادیم. اگر رفتار ما غیرحرفه‌ای بود بوبینک آماده مذاکره نمی‌شد آن‌هم در شرایطی که کنگره آمریکا تهدیدات زیادی علیه ایران کرده بود. همین شرایط برای قرارداد ۱۰۰ فروند هواپیمای با شرکت ایرباس وجود داشت.

افزون بر اینها ما چند شرط هم داشتیم. یکی اینکه نمی‌خواستیم خرید مستقیم انجام دهیم بلکه می‌خواستیم خرید ما اجاره به شرط تملیک باشد. دوم ما نمی‌خواستیم که هیچ تضمین دولتی عرضه کنیم. سومین خواسته ما این بود که فروشنده در تأمین مالی به ما کمک کند و حتی بخشی از تأمین مالی را مستقیما خودش بپذیرد. اینها مسائلی است که در کشور به‌خوبی به آنها پرداخته نشد و کمتر به آن توجه شد. گفتن این حرف‌ها بعد از امضای قرارداد ساده است لیکن، حتی فکرکردن به آنها برای عده‌ای غیرقابل‌تصور بود. هر هفت در مجامع راجع به ضرورت نوسازی ناوگان هوایی صحبت می‌کردیم و افراد مطلع می‌شدند که این نوسازی مستلزم ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است، به فوریت به این نتیجه می‌رسیدند که این امر محالی است و فراتر از ظرفیت اقتصاد ایران است. شما خاطرات هست که تا امضای قرارداد چه میزان خبر منفی درباره این قرارداد‌ها منتشر کردند. هنوز دست‌بردار نیستند و راجع به ماهیت آنها و عملی‌شدن‌شان تردید می‌کنند. بله در محدوده ذهنی و تصور آنها این امر محالی بوده است و حالا که عملی‌شده است به هر زور و ضرب می‌خواهند نه تنها آن را از جلوه بیندازند بلکه برای آن عیب بتراشند. دشمنی با مسئولان چشم‌وکوش آنها را کور کرده است. افزون بر این، در راه مخالفت حاضرند هر کزندی به منافع ملی و ایمنی مردم وارد شود ولی حرف آنها به کرسی بنشیند واقعا این شکاف اجتماعی و این دشمنی درون‌سرزمینی به کرانه شده است.

آینده دیروز

● در دوران ریاست‌جمهوری روحانی، آیا هویت اصلاح‌طلبی به خاطر اتخاذ برخی تاکتیک‌هایی که در آستانه انتخابات‌های مختلف صورت گرفت، تغییری کرده؛ آیا رنگ باخته یا تقویت شده است؟

از یک نقطه‌نظر تئوریک، بی‌تردید شرایط بر گفتمان‌ها و جریان‌ها تأثیر می‌گذارد. برخی شرایط تقویت‌کننده گفتمان‌ها هستند و برخی از شرایط هم مانع رشد و بالندگی گفتمان‌ها و جریان‌ها می‌شوند. طبیعی است که در دوران قبل از دولت کنونی، شرایطی که برای جریان اصلاح‌طلبی وجود داشت، شرایط بسیار نامطلوبی بود و این جریان را به حاشیه برده بود و مجالی برای صدا نداشت. در حقیقت، این جریان کاملا به مثابه یک «دگرگفتمان» و «دگرایدئولوژی» حاشیه‌نشین شده بود. این شرایط در فضای بعد از ۹۲ به شکلی تغییر کرد و باعث شد اصلاح‌طلبان از آن حاشیه خارج شوند. اما اینکه آیا توانستند جایی در متن داشته باشند، این یک بحث جدی است؛ یعنی اینکه توانستند در سیاست کلان و مدیریت کلان جامعه به اندازه سهمی که در انتخابات داشتند، نقش ایفا کنند که این‌ا از موضوعات جدی قابل بحث است. اما اینکه به‌هرحال توانستند از حاشیه خارج شده و صدا و پژواک داشته باشند و به اشکال گوناگون نقش ایفا کنند، این موضوعی است که بعد از سال ۹۲ حاصل شده است. اما یک مسئله ظریف وجود دارد؛ اینکه در تحلیل نهایی باید دید این جریان اصلاحات بود که به جریان اعتدال، حیات، وجود و بالندگی داد یا یک رابطه متقابل به وجود آمد؟ بی‌تردید من فکر می‌کنم - البته با تساهل و تسامح - جریان اصلاحات در هم‌ژمونیک شدن گفتمان و جریان اعتدال نقش بسزایی داشت؛ بنابراین به یک معنا از حاشیه بیرون‌آمدن را مدیون خودشان هستند تا اینکه وام‌دار و باردار دیگران. فرض من بر این نیست که اصلاح‌طلبی برای صدا و حیات خود باید آن را از دیگری درونی‌زی کند. اصلاح‌طلبی جریانی نیست که بتوان آن را محو کرد، بلکه یک جریان توفنده در جامعه امروز ماست؛ پس دیگران باید از آن صدا و ذیل سایه آن حیات بگیرند. به‌هرحال در شرایطی که یک تغییر تاریخی صورت می‌گیرد، این مجال هم برای اصلاح‌طلبان فراهم می‌شود که بیشتر در صحنه حضور داشته باشند.

● به گفتمان اعتدال اشاره کردید. اما به نظر می‌رسد این گفتمان بیشتر سلبی بوده است تا ایجابی. برپایه برخی از بنایدها مشکل گرفته است و بر دوروی و برهیزر از افراط و تفریط تأکید دارد. آیا «اعتدال» اساسا آلمان‌های یک گفتمان را دارد؟ یا اینکه تنها نامی است برای شرایط گذار؟ اشاره کردید جریان اصلاح‌طلبی به کمک این گفتمان آمده است. آیا اعتدال قوام یک گفتمان را دارد تا در ادامه بتواند با اصلاحات تعامل داشته باشد و این دو بتوانند از یکدیگر وام بگیرند؟

قبلا هم صحبت کرده‌ام. من باور ندارم که اعتدال را بتوان در قالب یک گفتمان در معنای دقیق کلمه تعریف کرد. آنچه به عنوان گفتمان اعتدال نامیده می‌شود، در شرایط کنونی یک «نام» است، یک اسم است، یک اسم بی‌معنا. دقیق آن تعریف نشده است. عناصر مفهومی و نظری آن تعریف خاصی ندارد و حتی در مواضع اعتدالی که استفاده است، دقیقاً تعریف دقیقی از اعتدال ندارد؛ به این معنی که آیا اعتدال به معنی هم این و هم آن است یا نه این و نه آن بودن؟ آیا قسمتی از راست و قسمتی از چپ یک جریان را معتدل می‌کند یا نه دوری از چپ و راست یک جریان را معتدل می‌کند؟ این دقیقاً در فضای اعتدال‌گرایی مشخص نیست. من قبلا هم گفته‌ام، جریان اعتدال از این استعداد و پتانسیل برخوردار نیست که بتواند اعتدال را در قامت یک گفتمان مفصل‌بندی، تدوین و تئوریزه کند و آن را به عنوان یک آلترناتیو گفتمانی در شرایط کنونی جامعه به نمایش بگذارد؛ بنابراین، شاید علت لیزخوردن بسیاری از اعتدالیون در مواضع خود اعم از سیاست داخلی و خارجی، اقتصاد و فرهنگ و هنر به دلیل همین ابهام و ابهامی است که در فضای گفتمانی آنها وجود دارد. ابهام و ابهام همیشه هم نقش منفی بازی نمی‌کند. گاهی اجازه می‌دهد شما در مواقع لازم لیز بخورید! گاهی اجازه می‌دهد به اقتضای زمانه، دوز اصلاح‌طلبی خود را بیشتر کنید. گاهی به شما اجازه می‌دهد سر از راست دریابوید و به‌هرحال به اقتضای شرایط، می‌توانید گفتمان را متلون یا منعطف کنید.

این موضع، طبیعتا مشکلاتی را هم به همراه خواهد داشت که امروز شاهد این موضوع هستیم. شاید امروز لازم باشد که دوستان اعتدال‌گرا تلاش کنند تعریف مشخص‌تری از گفتمان اعتدال‌گرا داشته باشند.

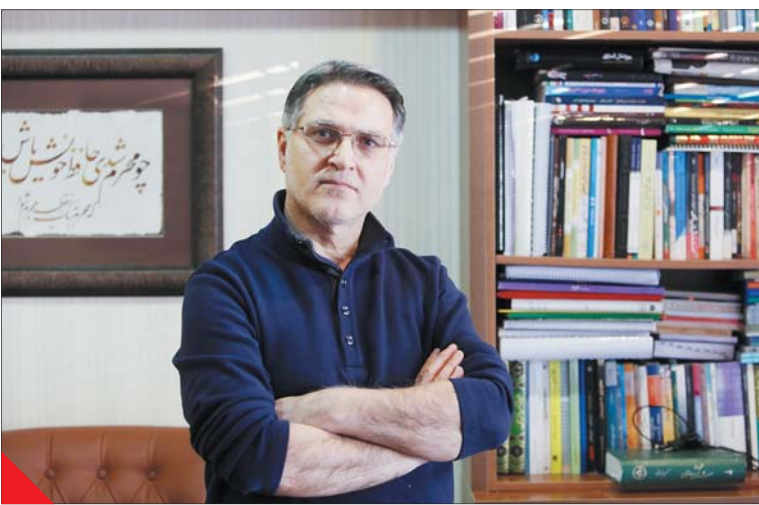
● حصول توافق برجام، شاید یکی از بارزترین فصول مشترک بین اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان بود. جریان اصلاحات در برابر دیگر باارمترها نظیر اقتصاد، سیاست داخلی و فرهنگ و هنر در دولت اعتدالی چه موضع روشنی گرفته است؟ آیا این مواضع براساس جریان اصلاح‌طلبی بوده یا اینکه باز هم متأثر از فضای بحران و طرد تدرورها صورت

سیاست

نسبت گفتمان اصلاحات و اعتدال در گفت‌وگو با محمدرضا تاجیک

شانس روحانی فقدان آلترناتیواست

مرجان توحیدی



عکس: رُفوف رستمی، شرق

روحانی در شرایطی دولت خود را تحویل گرفت که اصلاح‌طلبان همگی یک‌صدا از او حمایت کردند. حالا در آستانه انتخابات جدید ریاست‌جمهوری می‌خواهیم چگونگی رابطه دولت و اصلاح‌طلبان را ارزیابی کنیم. آیا فضای ایجادشده بعد از ۹۲ باعث شد هویت اصلاح‌طلبی تقویت شود یا آنچه بر اصلاح‌طلبان گذشت، برخلاف آمال و آرزوهای آنها بود. این دغدغه‌ها را با دکتر محمدرضا تاجیک در میان گذاشیم.

گرفته است؟ حالا که چنین توافقی در سیاست خارجی به دست آمده، فارغ از نتایج و تبعات آن، نسبت خود را در سایر حوزه‌ها در برابر دولت و گفتمان آن چگونه روشن خواهند کرد؟
برای پاسخ به این پرسش باید به نقطه صفر بازگردیم. به نقطه صفر ائتلاف. در آن نقطه صفر، بیشتر یک نقطه گرهی سلبی دیده می‌شود تا یک نقطه گرهی ایجابی و مثبت. چیزی که بیشتر باعث شد جریان اصلاح‌طلبی و اعتدال به هم وصل شوند، وجود یک «دگر» مشترک بود. یک دگری که هر دو به شکلی نافی آن بودند و نمی‌خواستند مجالی فراهم شود که آن دگر بر سریر قدرت بنشیند. آن نقطه گرهی منفی، این جریان‌ات را به هم گره زد. بی‌تردید نمی‌توان فرض کرد که قبلا براساس یک دیالوگ گفتمانی دو جریان به یک اشتراکاتی رسیدند و این اشتراکات باعث ائتلاف آنها شد. نه چنین مجالی بود و نه چنین نشست‌هایی برگزار شد و نه اینکه اساسا طرف فراهم تصویری از گفتمان خود داشت. این گفتمان زاییده شرایط انتخابات است که به‌هرحال باید یک جریان برای خود نامی دست‌وپا می‌کرد و این نام هم اعتدال انتخاب شد؛ بنابراین هیچ پروسه و پروژه ائتلافی مبتنی بر اشتراکات گفتمانی وجود نداشته است؛ بلکه در یک شرایط تاریخی بالاخره امر بر این واقع شد که برای

ممانعت از یک غیرمشترک این ائتلاف صورت بگیرد و صورت گرفت. این امکان‌پذیر بود که فردای پس از انتخابات و استقرار دولت، آن نکات سلبی تبدیل به نکات ایجابی بشود؛ اما متأسفانه تلاشی دراین‌زمینه صورت نگرفت و به اقتضای قدرت و سیاست فاصله در برخی جاها نسبت به جریان اصلاحات زیادتر شد. به نظر می‌شاید، شرایط، شرایط اشتباه‌ای است. قبلا هم گفته‌ام اعتقادی به آن نقطه گرهی اصلی باور داشته باشند و برای منافع و بازی قدرت به‌راحتی از آن عبور نکنند. تا زمانی که آن نقطه کانونی وجود دارد ما با وجود همه اختلافات و کوناگونگی کنار هم هستیم و هیچ مشکلی هم نیست ولی اگر التزامی به آن نقطه کانونی نباشد، ائتلاف شکننده خواهد بود و دوام نخواهد آورد.

● اگر بخواهیم یک جواب صریح به این سؤال دهیم؛

آیا واقعا در این چهار سال دولت روحانی هویت جریان اصلاح‌طلبی کم‌رنگ شده است؟

اگر بخواهم جواب صریح بدهم؛ بله. تا حدودی این فرض هست. من بر این فرض هستم که جنبش اصلاح‌طلبی هرچقدر از یک جنبش اجتماعی و فرهنگی فاصله می‌گیرد و حیات و کنشگری خود را در چارچوب ماکروفیزیک قدرت و ماکروپالیسی تعریف می‌کند به اصطلاح خاصیت‌زدایی می‌شود. شخصا فکر می‌کنم «جنبش اصلاح‌طلبی» بهتر از آن است که «اصلاح‌طلبی» را در قالب‌های سیاسی خلاصه کنیم. جنبش اصلاح‌طلبی بهتر از آن است که آن را اسیر بازی‌های قدرت کنیم. ببینید، توجه کنید (تصریح می‌کنم چون می‌دانم که به‌هرحال برخی منتظرند که نقد بکنند) تصریح می‌کنم که من نمی‌گویم نباید به سیاست اندیشید. من نمی‌گویم حتی نباید دغدغه و دل‌آشوبه ماکروفیزیک قدرت و ماکروپالیسی داشت. اما درین‌حال معتقدم، این جنبش دارای ابعاد و صورت‌هایی است که نباید آن را در یک بعد خلاصه کرد. این جفا به جنبش اصلاحات است. جنبش اصلاحات یک جنبش کاملا مردمی است. در سپهر ذهنی و در روان و روح بسیاری از جوان‌های این کشور رسوخ و نشت و رسوب کرده است. اصلاح‌طلبی جنبشی است توانان اجتماعی، زیباشناختی و فرهنگی. حیات اصلاح‌طلبی این است که صرفا در تساقب قدرت وارد بشود؛ بلکه باید اصول خود را حفظ کند. الهیات اصلاح‌طلبی را رعایت کند، اخلاق اصلاح‌طلبی را مراعات کند و بداند که بالاخره حیات اصلاح‌طلبی پیش از آنکه در پالسی تعریف بشود، در قاعده هرم جامعه و در میان ریزنده‌های جامعه تعریف می‌شود. ما باید در آنجا سکا بگزینیم و از آنجا فعالیت‌های خود را شروع کنیم. حرکت‌های خود را در آنجا ساماندهی کنیم و بتوانیم جوان‌ها و نسل آتی را پرورش بدهیم، نه اینکه صرفا توجهمان به مسئله قدرت جلب شود؛ زیرا این مسئله آفات خاص خودش را هم دارد و طبیعتا بسیاری را با یک پرسش بزرگ مواجه می‌کند که آیا اصلاح‌طلبان هم برای

آینه دیروز

رسیدن به قدرت امروز با فلان کس دست نمی‌دهند! فردا با آن کس دیگر! آیا بالاخره وقتی قدرت و کسب قدرت هدف می‌شود، این ائتلاف‌ها نمی‌تواند اشکال مختلفی بگیرد؟ و طرف مقابل این ائتلاف نمی‌تواند افراد و جریان‌های مختلفی به اقتضای شرایط باشد؟! این سؤال بزرگی است که ما باید بالاخره یک جا حرمت حریم خودمان را حفظ کنیم. تا وقتی متولیان اصلاح‌طلبی حرمت حریم خودشان را حفظ می‌کنند، این حریم حرمت دارد. وقتی خود متولیان از آن به‌راحتی عبور می‌کنند و اجازه می‌دهند که این حرمت‌شکنی انجام بشود یا فضای گفتمانی را آن‌قدر فراخ می‌کنند که هر کسی به اقتضای شرایط و برای کسب قدرت می‌تواند درون آن قرار بگیرد، این طبیعتا یک شکل خاصی از جدایی جریان از اصالت خود تلقی می‌شود. ما نباید اجازه بدهیم که از دیده دل برد. تذکراتی که در صورت اصلاح‌طلبی از دیده و دل جوان‌های ما برود.

● این به دلیل روشن‌نبودن مانیفست اصلاح‌طلبی نیست؟ همین که فدری درباره ملزومات دموکراسی‌خواهی صحبت می‌کند، خود را اصلاح‌طلب می‌داند یا اصلاح‌طلب قلمداد می‌شود. شاید اگر واقعا مانیفستی وجود داشته باشد، بتوان بین سره و ناسره تمییز قائل شد.

این مطلب تا حدودی صحیح است؛ اما آنچه ما خود را به آن متصف می‌دانیم، در یک فضای فراخ دارای چارچوبی است. اینکه ما خود را اصلاح‌طلب می‌نامیم و نه اصولگرا، ما خود را اصلاح‌طلب می‌نامیم و نه لزوما کارگزار؛ ما خود را اصلاح‌طلب می‌دانیم، نه لزوما چپ لیبرال یا چپ مارکسیست، نه پوپولیسم چپ و نه پوپولیسم راست؛ همین که ما تعریفی از این جمع اصلاح‌طلبی داریم، مشخص است که در پس ذهن‌مان یک نوع چارچوب وجود داشته و یک نوع حریم نشسته است؛ هرچند این حریم کاملا تعریف‌شده و ترسیم‌شده نیست. بعضی جاها کدر است، بعضی جاها خاکستری است و بعضی جاها روزه‌نه دارد و گشوده است؛ ولی به صورت کلی مشخص است؛ بنابراین امروز ما می‌توانیم همدیگر را نقد کنیم که کجا از اصلاح‌طلبی عدول کردیم؛ در غیراین‌صورت باید بپذیرای هر عملی باشیم و مهر تائید بر آن بزنیم. طبیعتا در جریان اصلاح‌طلبی این‌گونه نیست و نبوده و نخواهد بود و بسیاری مدعیگر را برای عبور از حریم‌های اصلاح‌طلبی نقد می‌کنند؛ باین‌حال، واقعا درست است که ما باید بالاخره این مانیفست را ترسیم کنیم.

آنچه برای تدوین آن تلاش می‌کنم، مانیفست «نواصل‌طلبی» است و به نظم همان‌طور که

قبلا هم گفتم، شرایط تاریخی ما اقتضا می‌کند که ما درهای جدید و مفاهیم جدیدی را وارد آحاد مفهومی و گفتمانی اصلاح‌طلبی کنیم. ما باید فرزند زمانه خود باشیم. اقتضای زمانه و نسل امروز ما با نسل ۷۶ تا حدودی متفاوت شده و متغیرهای جدید و بی‌بدیلی بروز و ظهور کردند که ما باید آنها را در گفتمان‌ها لحاظ کنیم. من دارم چنین فضایی را ترسیم می‌کنم. قبلا هم بالاخره نه اینکه تلاشی نشده باشد، کاملا تلاش شده و جلسات بسیار متعدادی با حضور خود آقای خاتمی شکل گرفته. شاید چندین سال طول کشید تا بشود جریان اصلاحات، جنبش اصلاحات و گفتمان اصلاحات را تئوریزه و مفصل‌بندی کرد. تا حدود زیادی دراین‌باره پیش‌رقتیم و درفت‌های آن موجود است؛ بنابراین بستی که به این دارد که آن درفت‌ها به چه شکلی انتشار داده بشود یا اینکه یک اراده همگانی در جریان اصلاح‌طلبی دراین‌باره حاصل شود و به عنوان مانیفست عمومی رسمیت یابد کند. می‌خواهم بگویم در تحلیل نهایی با اینکه بعضی تلّوّن‌ها را نمی‌توان درک کرد، اما به‌هرحال این جمع اصلاح‌طلبی اجازه نمی‌دهد که هر کتشی (کنش کلامی و کنش غیرکلامی) از سوی اصلاح‌طلبان به نام نامی «اصلاح‌طلبی» صادر شود.

● من به خاطر دارم که قبلا در صحبتی که با شما داشتیم؛ تأکید شما درباره این بود که هنوز خیلی از آن دقایقی که در سال ۷۶ تعریف شده، محقق نشده است. براساس این آنچه می‌توان از آن به‌عنوان هویت اصلاح‌طلبی نام برد، دقیقا چیست؟ اصلا اینکه می‌گوییم این هویت رنگ باخته، نسبت به چه چیزی این مقایسه را انجام می‌دهیم یا دقیق‌تر نسبت به کدام مقطع حرف می‌زنیم؟ مثلا به طور مشخص بین حزب مختلف اصلاح‌طلبی که وجود دارند، کدام‌یک نماینده واقعی اصلاح‌طلبی است؟ به طور مشخص مثلا چه تفاوتی بین حزب اقتصاد ملت و جریان کارگزاران وجود دارد؟

قبلا هم گفتم؛ گفتمان‌ها امری تاریخی هستند و فراتر ازخی نیستند؛ یعنی شرایط پرورده، نیازپورده و تاریخ‌پرورده هستند. جایی به تاریخ قفل نشده‌اند که تاریخ برود و گفتمان‌ها بماند. یک گفتمان باید با شرایط زمانی خودش دیالوگ و دیالکتیک داشته باشد؛ این دیالکتیک میان ذهن و عین است که به گفتمان‌ها حیات می‌دهد؛ موتور محرکه اکسیر حیات گفتمان‌هاست.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیمیان

- علی لاریجانی در دیدار با وزیر خارجه مصر: مانعی در ارتقای سطح روابط ایران و مصر وجود ندارد
- احمد توکلی: از جبهه متحد اصولگرایان به‌جد دفاع می‌کنم
- سخت‌گویی دولت؛ بودجه ۸۷ با تکیه بر اصل شفاف‌سازی ردیف‌ها هفته آینده تقدیم مجلس می‌شود
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: سی سال گذشته به اندازه ۳۰۰ سال در روستاها کار انجام شده است

انتقاد

- سخت‌گویی دولت وجود هرگونه دخالت در طرح امنیت اجتماعی از سوی دولت را رد کرد
- وزیر خارجه مصر درباره روابط مصر و ایران گفت: تلاش‌های فعال و سازنده‌ای برای همکاری و برقراری روابط محکم و قوی با ایران جریان دارد
- علی لاریجانی: هدف سفر به قاهره توجه ایران به مصر و اهمیت زیاد این کشور در منطقه است
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: جهاد سازندگی را جوانمرد کردند
- حسین موسویان، سخت‌گویی سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای از برگزاری دادگاه علنی و انتشار کل محتویات پرونده‌اش استقبال کرد

ایران

- الهام، سخت‌گویی دولت: عملکرد نیروی انتظامی خارج از مدیریت دولت است
- موسوی، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور: بخش عمده‌ای از موارد استیضاح با مذاکره قابل حل است
- رئیس مجمع تشخیص مصلحت: سیاست‌های کلی نظام، یک روند عالمانه در کشور ایجاد می‌کند
- آیت‌الله‌الطعمی نوری‌همدانی: دشمن در کمین است باید در انتخابات حضور پرشور داشته باشیم
- وزیر کشور خبر داد: افزایش ۱۵درصدی ضرب امنیتی کشور
- باقری، معاون وزیر خارجه: شرایط فراهم باشد مذاکره ایران و آمریکا درباره عراق انجام می‌شود

آقاب

- سخت‌گویی دولت: در حال مطالعه طرح‌های بلندمدت برای مهار گرانی هستیم
- شهبازخانی، عضو فراکسیون خط امام: دولت ضعیف محصول مجلس ضعیف است
- سجادی، سخت‌گویی جبهه پیروان خط امام و رهبری: دولت تهمت تلاش خود را برای رفاه مردم به کار گرفته است
- صدیقی‌بنایی، عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس: دوبرابرکردن وام مسکن، موجب گرانی مسکن و اجاره‌بها می‌شود
- حمیدرضا حاجی‌بابایی: برای کاهش حاکمیت مطلق آمریکا بر ۵۰+ تلاش می‌کنیم
- شیرکوند، معاون سابق وزیر امور اقتصادی و دارایی: اعتماد شهروندان به دولت‌مردان مهم‌ترین عامل کاهش انتظارات تورمی است

جمهوری اسلامی

- احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی تلفنی با رئیس‌جمهور کومور: ایران آماده انتقال تجربیات ارزشمند خود به کشورها و ملت‌های آفریقایی است
- غلامحسین الهام: دولت از سیاست‌های اقتصادی خود کوتاه نمی‌آید
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: خصوصی‌سازی موجب صرفه‌جویی در هزینه و زمان می‌شود
- وزیر خارجه ترکمنستان: صادرات گاز ترکمنستان به ایران به‌زودی از سر گرفته می‌شود
- رجایی، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس: حجم شگری که وارد کشور شده برابر با سه سال واردات کشور است

اطلاعات

- رهبر معظم انقلاب: انتخابات مسئله مهم امسال ملت ایران است. در منطقه هیچ کشوری از لحاظ اتکا به آرای مردم به ایران نمی‌رسد
- احمدی‌نژاد: حرکت به‌سوی دانشگاه کارآفرین باید رویکرد نوین آموزش عالی باشد
- علی لاریجانی خبر داد: توافق قاهره و تهران برای تداوم رایزنی‌های دوجانبه
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: واگذاری امور ثبتی الگوی مناسبی برای اجرائی‌شدن اصل ۴۴ است
- آل‌اسحاق، رئیس اتاق بازرگانی تهران: آثار سیاست‌های انقباضی و قفل‌کردن تسهیلات بانکی در بخش تولید مشهود است
- محمدی، رئیس کمیته روابط خارجی کمیسیون امنیت ملی: ایران در مسیر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای حرکت کرده است